



۲۰۱۴/۱۰/۰۶



صالحه واهب واصل

پاسخ با شرح جزئیات به مقاله زبان شناس توانا استاد هاشمیان در ارتباط با «استندرد سازی زبان» (قسمت اول)

استاد بزرگوار جناب هاشمیان گرانقدر درود های فراوان نثار تان بادا!

نخست از همه معذروم از اینکه نسبت سفری که به ارتباط مسائل صحتی و کاری داشتم و کمپیوترم را هم با خود نداشتم نتوانستم زود تر به جواب نامه تان بپردازم. ثانیاً خوشحالم که شخصیت با فهم و درایتی چون شما که اضافه تر از نصف عمر تانرا وقف خدمت به فرهنگ و ادب کشور نموده اید، خواهش ما را که «ابراز نظر مینی بر تخصص در رشته زبان شناسی پیرامون استندرد سازی زبان های ملی ما» بود، لیبیک گفته توجه جدی تان را بر تحلیل مقالات ما (محترم قیس کبیر و اینجانب) مبذول داشتید و برای جواب جامع و مفصل آن صرف وقت نمودید. ما هم کوشش نهایت خویش را نمودیم به جواب این نامه تا حد امکان قسمی بپردازیم که همه نکاتی که برای شما موهوم و مبهم بوده و شاید هم برای خوانندگان این مطلب طوری که شاید و باید واضح نبوده شرح دهیم که این هم یکی از دلایلی دیگر تأخیر در جواب شمرده میشود.

خداوند شما و جمعی عزیزان مجرب و بزرگوار افغانستان را که افتخار و سرمایه علمی و ادبی ملت هستید، در پناه خود داشته باشد و عمر دراز با صحت و سلامت کامل نصیب گرداند. جای خوشی و ادای شکران است که الحمدلله در سن ۸۷ سالگی توانایی کار با کمپیوتر را دارید. سابقه کاری شما در عرصه علم و دانش به همه هویداست و شناخت کمپیوتر به شکل علمی و تخنیکی آن هم ضرورت عینی برای همگان نیست. امروز هستند حتی جوانانی در سنین سی و چهل که خود شان را ازین بهره بی نصیب نگاه داشته اند و اشخاصی هم هستند در سن و سال شما که حتی از روشن ساختن کمپیوتر هم هراس دارند و بلد نیستند.

در جایی شما چنین فرموده اید که: " زبانشناس معروف افغان، مرحوم پوهاند رحیم الهام زبانشناسی را " کسب خام " میخواندند، زیرا در کشور های کم انکشاف غیر از پوهنتون ها در جای دیگر خریدار نداشت"

گفته استاد بزرگوار مرحوم پوهاند رحیم الهام زبانشناس معروف افغان، که زبان شناسی را در دور خودش «کسب خام» دانسته است، شاید در آن زمان نظر به تقاضای همان دور و زمان درست بوده و صدق میکرد زیرا سطح سواد در آن دوره چندانی که باید، بلند نبود.

اما؛ امروز در زمانی که ما زندگی می کنیم نظر به پیشرفت تکنالوژی و توسعه زبان به این سرعت چشمگیر آن در کنار تهاجم فرهنگی بیگانگان، زبان در زیست روزانه و هویت ملی ما نقش به سزای را بازی میکند که حتی میتواند برای مردم و ملت ما در عرصه علم و ادب، فرهنگ و اقتصاد کشور سرنوشت ساز باشد.

بدون شک در کشور ما هم در سه دهه قبل، سویه های علمی، فرهنگی و ادبی در نازل ترین سطح آن قرار داشت و هنوز هم دارد. اما؛ امکانات امروزی بسیار زیاد وسیعتر از آن دوران گذشته است. لهذا استندرد (معیاری) سازی زبان درین دوره علاوه بر اینکه یک کسب خام به حساب نمی رود، یک کسب فوق العاده پخته بوده توسعه و پیشرفت کشور را از نظر اقتصادی، ادبی، علمی و فرهنگی سهولت بخشیده سرنوشت ملت را از تهاجم بیگانگان در امان نگه میدارد.

به هر حال چون هدف اساسی پیشنهاد نظر خواهی ما از شما منحصبت یک صائب نظر توانا، آموختن از تجارب و اندوخته های شما بود. پیشنهاد کلمه «گفتار را به جای نطق» که نکته خیلی اساسی و مبرمی است پذیرفته تعویض

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پاڼوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

کردیم و نیشته قبلی را هم جهت تفهیم بهتر دوباره نویسی کرده به شکل نسخه (ورژن) جدید بیرون دادیم و مطمئناً در نوشته های بعدی هم از آن استفاده های خواهیم برد.

شما در جایی میفرمائید: "قرار مسموع در ایران برای اصطلاحات کامپیوتری کلمات نوفارسی، ولی بسیار خنده آور، ساخته اند، خواهش و تمنای من از متخصصین افغان در رشته تکنالوژی کامپیوتر اینست که شما از اصطلاحات انگلیسی (لپ تاپ، ای پد، ای ریدر، ای بوک، ای لرنینگ، الگوریتم؛ سافت ویر، هارد ویر، دون لود، اپلود، دیتا بیس، و امثالهم) کار بگیریید و آنها را در زبانهای ملی رایج بسازید، زیرا از طریق این اصطلاحات زبانهای ما باجهان مخابره میتوانند".

به چه زیبا و چه بجا ما درین قسمت مطلقاً با شما همنا هستیم. چرا؟
به عقیده ما هم کسی که یک ابزار کاری را اختراع میکند برای آن اسمی را هم انتخاب میکند مثلاً: اسم تلویزیون- امروز در هر نقطه جهان که تلویزیون گفته شود و یا مخفف آن (TV تی وی) از خورد تا بزرگ اگر زبان انگلیسی را بلد هستند و یا نیستند میدانند که هدف ما چیست این همه ابزار کاری را که شما در بالا متذکر شده اید کلمات و یا اسمای شناخته شده ایست که وسیله بسیار توانایی مکالمه به سطح جهانی شمرده میشود. اما؛ کلماتی مانند (رایانه به جای کمپیوتر، تارنا به جای وبسایت، سخت افزار به جای هارد ویر و نرم افزار بجای سافت ویر و امثالهم) فقط در ایران فعلی شناخت دارد و بس. ما از قدیم الایام شاهد آن هستیم که در افغانستان پرزه جات موتر را به نام های اصلی آن مورد استفاده قرار میدهند مانند (اکسلیتور، برک، فنبلت، هند برک، موتور و غیره) که به شکل وامگیری مورد استفاده قرار گرفته و آهسته آهسته در زبان خود ما مدغم گردیده است.
روی این ملحوظ ما شاهدیم که امروز در هر نقطه افغانستان حتی خارجی ها هم در ترمیم موتر خود مشکلی ندارند. همچنان استعمال کلمات نامأنوس، چپوله و غیر دستوری مانند چالش، کارشیوه و غیره که یک پروژه پلان شده شئونیزم ایران بر مبنای فارسی سازی و رسیدن به اهداف شوم انحصاری اش بر جهان فرهنگ و ادب منطقه در عرصه های مختلف از قبیل میدیا، تکنالوژی اطلاعاتی، سیستم کتبی و گفتاری میباشد، میتواند سبب نابودی زبان دری در منطقه گردد.

چنانچه خود شما در جایی فرموده اید که: "اگر زبان حفظ نگردد میمیرد". با صد آه و افسوس که یک تعدادی از فرهنگیان هموطن ما دانسته و یا نا دانسته چنان در خدمت این شئونیزم ایران سر تعظیم خم کرده اند، که درایت شان را زیر سؤال میبرد. اما خوشبختانه داریم هم وطندوستان با درک و ذکاوتی که برای حفظ منافع ملی شان از جمله زبان که با ارزش ترین سرمایه ملی محسوب میگردد، در برابر هر نوع تهاجم و تجاوز فرهنگی مقابله نموده برای حفظ و نگهداشت آن از هیچ نوع مساعی و کوشش دریغ نمی کنند.

واقعیت اینست استاد گرامی که به این سیستمی که ایرانی ها میخواهند زبان عربی را از زبان فارسی بیرون کنند علاوه بر اینکه به نظر ما بسیار یک نظر میان تهی است، نا ممکن هم است زیرا فیصدی زیاد زبان فارسی دری ترکیب این زبان هاست یکی از مثال های بسیار خوب اسماء ماست که اگر عربی از زبان فارسی بیرون شود ما آدمهای بی نام میشویم. زیرا (صالحه، و هاب، واصل، قیس و کبیر) همه عربی هستند مجبوریم نامهای خود ما را بی نام بگذاریم (بی نام مؤنث و مذکر) که با تأسف مذکر و مؤنث هم عربی است.
نکته بسیار مهم دیگری را که جناب دوست محمد در تبصره زیبای شان بر این ارتباط در نظر سنجی درج نموده بودند، استعمال کلمه (رئیس جمهور و ولسمشر) بود. ایشان به تأیید گفته های شما (با دادن مثال مخابره جهانی) میفرمایند که اگر در پاسپورت رئیس جمهور ما (رئیس جمهور نوشته شده باشد در اکثریت ممالک همزبان ما و ممالک عربی و پاکستان و هند میدانند که هدف چیست. اما؛ اگر ولسمشر نوشته باشد چون این کلمه فقط در افغانستان مورد استفاده دارد، ممالک دیگر نمی دانند که این آقا کی است.

شما در جایی میفرمایید: "و یا در مقاله ای خواندم که یک دانشمند افغان تنوین عربی را با ایزاد (ن) در آخر کلمه، مثلاً (قطعن، فعلمن، اکثرن) ... و علامه کسره وصل کننده را (برشته ی، حوزه ی، قلعه ی، بهانه ی، نتیجه ی) ... نوشته - این نوع نوآوری های نسل جوان افغان را که در مهاجرت به سر می برند، بیشتر بی سواد میسازد. دانشمند موصوف که در قطار نویسندگان خوب قرار دارند، کلمه منحوس ایرانی (چالش) را نیز استعمال کرده اند".

د پانو شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

ما باز هم با این نظر بسیار بجای تان در استعمال (ی) اضافی و (ن) به جای تنوین همچنان موافقیم، مگر با تأسف نهایت باید بگوییم که یک تعدادی از هموطنان ما علاوه بر گم کردن راه شان در عرصه سیاست، راه تنویر ادبی و فرهنگی، مذهبی، کلتوری و حتی اجتماعی شان را هم گم نموده اند و هم زمانی که نظر به تهاجم فرهنگی ایرانیان یک روش ادبی بالای ملت ما تحمیل میشود، آنان نظر به تأثیرات مختلف آگاهانه و یا نا آگاه این روش را تعقیب میکنند اما بعضی از بزرگان ما هم با تمام توانایی که در ذهن و افکار و قلم شان دارند خود شان را تسلیم این تجاوز فرهنگی و ادبی نموده با گفتن اینکه ما در افغانستان چنین اشخاص یا نهاد ها و کمیسیون هایی نداریم و ایران درین عرصه پیشتاز است خود شان را برائت میدهند. در حالی که اگر حد اقل سه متخصص زبان هم دست و آستین بر زند و درین راه اقدامی نمایند، مطمئن هستیم که سیلی از تشنگان ادب در پشت سر شان می ایستند و تمنا داریم که حکومت فعلی منتخب افغانستان با قوت و توانایی تمام آنها را حمایه و تمویل مالی و معنوی نماید.

اگر این روش را از نظر تخنیکی مورد بحث و تعمق قرار دهیم، با ثبت این حروف یعنی (ی) اضافی در کنار هر کلمه ما دو جای (BYTE بایت*) اضافی را مصرف می کنیم زیرا هر "حرف" یک بایت در حافظه کمپیوتر ضرورت دارد. وقتی مینویسیم که (نوشته ی) یعنی که ما در حافظه باید (۷) بایت داشته باشیم که این کلمه ثبت شود (۶ حرف و یک خانه خالی) اما اگر این (ی) اضافی را با یک (ه) همزه دار تعویض کرده می نویسیم مثل (نوشته) که در معنی کلمه هم هیچ نوع تغییری رخ نمی دهد، درین صورت ما به عوض (۷) بایت (۵) بایت را در حافظه اخذ می کنیم. حالا اگر به اساس احصائیه گیری بسنجیم، اگر مضمونی داشته باشیم با صد جمله و هر جمله ۱۲ کلمه داشته باشد ما داریم ۱۲۰۰ کلمه. اگر ازین ۱۲ کلمه در هر جمله ۵ کلمه آن با یک (ی) اضافی نوشته شده باشد، داریم ۵۰۰ کلمه. اینکه کلمات چند حرفی باشد نمی شماریم اما اینکه با هر کلمه یک (ی) اضافی و یک خانه خالی نوشته شده، می شماریم و می بینیم که ما در حافظه ۱۰۰۰ بایت را به ناحق پُر کرده ایم در حالیکه به نوشتن (۵) به جایی یک (ی) اضافی میتوانیم حد اقل برای ۵۰ کلمه (۵ حرفی) در حافظه کمپیوتر جا را حفظ و استفاده کنیم. و به همین ترتیب اگر این حروف را در اوراق به شکل منویل یا فزیکتی نشر و چاپ کنیم حد اقل دو سه ورق اضافی را باید استفاده کنیم که هم سبب ضیاع وقت است هم سبب استفاده نا لازم رنگ و هم کاغذ اضافی.

شما در جایی چنین میفرمائید: "بنظر من، راه آسان و کم مصرف برای بدست آوردن (متن مطلوب)، خواه نطق سیاسی، خطابه مذهبی، بیانیه سیاسی یا یک کتاب علمی یا یک ناول دلچسپ و امثالهم باشد، اینست که متن اولی و ابتدایی اثر مذکور توسط دانشمند مربوطه و یک زبانشناس مطالعه و بعد اصلاحات لازمه، اگر ثبت آن بحیث (متن مطلوب) در زبان گفتار ضرورت باشد توسط یک نطق ورزیده و ماهر خوانده و ثبت شود، و اگر ثبت آن بحیث (متن مطلوب) در زبان نوشتار ضرورت باشد، توسط یک خطاط یا تایپست ماهر ثبت شود، و ازین (متن مطلوب) بهر نوعی که خواسته باشند در (دیتابیس) استفاده صورت بگیرد. اگر نظر من از لحاظ معیارهای کامپیوتری ناقص باشد، قبلا وارد نبودن خود را درین رشته اعتراف کرده ام و درینصورت باید منتظر نظرات دانشمندان افغان بود."

با عرض معذرت باید به عرض برسانیم که این بخش اشتباه فهمیده شده. هدف کاری این سیستم چنین است که: آهنگ و صدای الفباء یک بار و فقط یک بار در دیتابیس جهت شناخت حروف اول (فتحه، کسره، ضمه و تنوین) و حروف سامت ثبت و ذخیره می گردد و ثبت صدای حروف برای هر کتاب یا متن و نبشته از نو در دیتابیس ضرور نیست که ذخیره گردد. برای شرح بیشتر به لینک ذیل مراجعه شود.

تکنالوژی اطلاعاتی و اهمیت استاندارد سازی زبان

شما درین قسمت چنین میفرمائید: "تشویش انجنیر صاحب قیس کبیر پیرامون کمبود و اولها (فتحه، کسره، ضمه) بشکل یک عنعنه فرهنگی درآمده که اگر چه علامات مذکور اکنون در کامپیوترها ایجاد شده، ولی حتی یک فارغ التحصیل دوره ابتدای این والها را (در حال عدم وجودشان روی کاغذ)، خوشبختانه خوانده و فهمیده میتواند، چونکه مضمون قرأت قرآن مجید در خانه، مسجد و مکاتب تدریس میشود، درک و فهم و اولها را سهل گردانیده است. اما تشویش دیگر انجنیر صاحب از بابت ترکیب (دونان) و اردنیت، چه اگر این ترکیب فارسی باشد، متشکل است از دو کلمه (عدد و اسم) و هیچ دری زبان آنرا به دو معنی خوانده نمیتواند: (دونان گرم بهتر از دوپاکت کلچه) - اما اگر (دونان) عربی

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکتی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

باشد(بمعنی پست وپایان وفرومايه)، درآنصورت نیزکلمه نبوده، بلکه ترکیببست از (دون) + (- آن، که رسم جمع فارسی است)- (دون) درعربی صفت است."

به این ارتباط باید عرض شود که شما عزیز بزرگوار در فوق از نسلی صحبت میکنید که هم دوره شما و یکی دو دوره جوانتر از هم دوره های شما هستند، اما هدف به صورت عموم از تمام ملت افغانستان و همه نسل هاست چه در داخل و چه در خارج از کشور خصوصاً نسل جوان و نسل های بعدی.

ببینید نوشته های فعلی بزرگواران مانند شما و ده ها قلمبدهست دیگر را، قشر تحصیل کرده سی تا چهل سال قبل افغانستان میتوانند بخوانند ولو که بدون همزه و علامات فارقه و تنوین نوشته شده باشد. زیرا این قشر در کشور افغانستان تحصیل کرده بزرگ شده اند و زبان شان را در محیط تدریسی و یا خانواده آموخته و صحبت نموده اند. برای آنها خود ترکیب جمله، معنی را افاده میتواند. اما؛ نسل جوان فعلی که ۶۰ در صد آن در خارج از افغانستان تولد شده و در محیط بیگانه بزرگ شده و با زبان بیگانه تحصیل کرده اند، وقتی بزرگ میشوند و علاقه میگیرند که دو باره به کشور شان بر گردند و یا بخواهند زبان شان را بیاموزند. طبعاً برای سهولت در آموزش زبان خود به کمپیوتر پناه برده به انترنت مراجعه میکنند و یا اینکه از (ای ریدر) ها و (ای بوک) استفاده می نمایند.

زمانی که این جوانان زبان را به شکل استندرد از طریق کمپیوتر آموخته اند، بخواهند که برای مزید معلومات به نوشته های ادیبان، عالمان، تاریخ نویسان و هر قلمبدهست دیگر مراجعه کنند، شما بگویید که توقع آنها ازین نوشته ها چی خواهد بود؟ واضح است که آنها این نوشته ها را با همان چشم ارزشمندی می بینند که باید دیده شود.

نوشته های ما و اندوخته های قلمی بزرگان ما درین زمان، نمونه های ادبی و آموزشیست برای نسل جوان، که از ما به آنها انتقال باید بکند. این جوانان در محیط افغانستان زیست ندارند که کلمات برایشان آشنائی کامل داشته باشد تا خود در ذهنشان کلمه را تصحیح کنند و اگر کلمه عقیم هم نوشته شده باشد آنها درست تلفظش کنند. از جانب دیگر، همانگونه که ما خود شاهدیم و آموزش زبان های خارجی را تجربه نموده ایم؛ اگر یک خارجی از هر مملکتی که باشد بخواهد زبان های ملی ما را از طریق انترنت بیاموزد و برای معلومات مزیدش بخواهد از نوشته ها نویسندگان نامور ما استفاده کند آیا درین قسمت فکر نمی کنید که نوشته های بزرگان ما باید با یک استندرد نوشته شده باشد که در آینده برای این نو آموزان سؤال بر انگیز جلوه نکند و دانایی و دانش دانشمندان ما را زیر سؤال نبرد؟

ادامه را در قسمت دوم مطالعه فرمایید، لطفاً.

- **بایت (Byte):** عبارت است از یک واحد انفارماتیک که از هشت بیت (Bit) تشکیل گردیده است. برای ذخیره نمودن یک حرف به هشت بیت و یا یک بایت ضرورت است.

نوت: نکته قابل یاد دهانی اینست که هدف از نوشتن و نشر مقالات محترم انجنیر قیس کبیر و اینجانب در ارتباط با استندرد سازی زبان های ملی ما، به هیچ صورت تبارز دادن دانش و یا تخصص ما در رشته زبان شناسی و تحصیلات ما درین رشته نبوده و هم سواد آگاهی ما درین عرصه در برابر خدایان زبان شناسی کشور قاصر تر از حدود حدس شماسست. لهذا وضاحت این موضوع را در مقطع این جوابیه به این ضروری دانستیم که همه مساعی و جد و جهد ما از نشر این مقالات و هم در دسترس قرار دادن اندوخته های بزرگان ادب کشور، رسانیدن آوای ملت به گوش مسؤلین و مقامات بلند مرتبه حکومتیست و آگاهی شان از بزرگ ترین خطر نابودی زبان های ما در آینده نه چندان دور در تکنالوژی اطلاعاتیست که از نگاه تخنیکی نظر به استفاده کثیر روز مره ما هر لحظه از تکنالوژی و امکاناتش، با آن روبرو می گردیم. امید است بزرگان قلم بدست ما این جسارت ما را که حفظ و نگهداشت منفعت ملی مردم ما (زبان های ملی ما) از نابودی، مرام نهایی آن است، فرا کشیدن پای ما از گلیم ما، تلقی نکنند.
(قیس کبیر و صالحه واهب واصل)

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ